

پشت بوم

لامپ سقف، فاصله ما و اروپا



حسین عبد‌الهاشم‌پور

● جایی خواندم «به درک معلومات نیاز داریم تا تحقیق درباره مجهولات»؛ به گمانم گمانه درستی است. به‌طور مثال در وادی هنر، دانستن چیزهایی که نمی‌دانیم پیشکش، اکنون الزامی است به خود مراجعه کنیم و ببینیم همه آنچه را که تصور می‌کنیم می‌دانیم، واقعا می‌دانیم؟ گفته فلسفی در میان نیست، موضوع مثل آب خوردن ساده است؛ مثلا تصور می‌کنیم ما در ارائه آثار هنری، حرف‌های هستیم و این به باورمال بدل شده است؛ زیرا شبانه‌روزی به خود می‌گوییم هنر این سرآمد خاورمیانه است؛ حال آنکه کیفیت اثر هنری هیچ ارتباطی به شایستگی ارائه آن ندارد؛ این روزها اثری که به اصطلاح فرنگی خوب «پرزاتنه» نشود به کل دیده نمی‌شود، چه رسد به اینکه بتواند کیفیت خود را عرضه کند. بیرون مرزها هیچ، ما حتی در داخل کشور هم آثار هنری‌مان را با سلخ‌ختکی معرفی می‌کنیم؛ آن‌قدر که اگر اندک میل و ذوقی برای تماشای آثار هنری باشد فراری می‌شود؛ این دردی است که همه گونه‌های هنری‌مان از سینما تا نقاشی و موسیقی... را در بر گرفته و حتی در بازنمایی هنر در میراث فرهنگی‌مان هم جاری است؛ یک نمونه خیره‌کننده که اخیرا در یزد دیدم و هر روزی دلتان خواست می‌توانید آن را ببینید: لامپ‌های سقف ابنیه تاریخی این شهر است؛ لامپ‌های کم‌مصرفی که وسط سقف‌های‌هزارنقش صفوی و قاجاری مثل خاری توی چشم توریست می‌رود؛ و کیست که نداند در معماری ایرانی سقف چه عنصر تعیین‌کننده‌ای است. اتفاقا توریست یزد باید سر به هوایی کند و در امواج هنری این سقف‌ها و یادگیرها سیر کند تا سیراب شود، اما به لطف این لامپ‌ها حتی یک عکس هم نمی‌تواند بگیرد که فاقد این آلودگی بصری باشد؛ در پشانی سقف محراب مسجد جامع کبیر یزد، در سقف دلربای اتاق متفاوت خانه لاری‌ها در میان آینه‌کاری‌ها و نقاشی‌های شرقی خلق شده‌اند... بیش از نبوغ هنرمندان ایرانی، خلافت جانگاہ جنمایی این لامپ‌ها چشم و ذهن را مسحور می‌کند! بافت سنی یزد هیچ کم از معماری فلورانس ندارد؛ اما اگر گردشگر فرهنگی دنیا، فلورانس را می‌پرسد و یزد را نمی‌شناسد، ده‌ها دلیل دارد که یکی همین کج‌سلیقه‌ی محض در ارائه هنر در بافت میراثی است... بله واقعا «به درک معلومات نیاز داریم تا تحقیق درباره مجهولات»، این جمله خرده‌مندانہ را باید به بسیاری از امور روزانه‌مان تسری دهیم.

برلیناله

«ازدهاوارد می‌شود» در راه آلمان

فیلم مانی حقیقی در راه برلین

● فیلم سینمایی «ازدها وارد می‌شود»، جدیدترین ساخته مانی حقیقی برای حضور در بخش رقابتی جشنواره فیلم برلین انتخاب شد و ریاست هیأت داوران این جشنواره بر عهده مریل استریپ خواهد بود. این کارگردان سینما با تأیید این خبر در پاسخ به سؤالی، مبنی بر اینکه با توجه به حضور فیلم در بخش سودای سیمرغ جشنواره فیلم فجر و قانون جشنواره‌های الف جهانی، مانند برلین که اولین نمایش فیلم باید در آن جشنواره باشد، به «ایسنا» چنین توضیح داد: طبق مذاکراتی که فیلم‌سازان ایرانی در چند سال گذشته با دست‌اندرکاران جشنواره فیلم برلین داشته‌اند، این توافق حاصل شده که اولین نمایش فیلم‌های ایرانی در ایران باشد.

مرکز تبادل کتاب

کتابخانه خود را نو کنید

کتابهای خواننده شده خود را با کتابهای دیگران **مبادله کنید** یا **اهدا کنید**

هر روز بغیر از روزهای تعطیل ۹ صبح تا ۹ شب

www.tabadolketab.com

آدرس: چهارراه ولیعصر ، ابتدای مظفرشمالی ۶۶۱ ۷۷ ۸۹۲

هنر و تجربه

مهرجویی

کارنامه چهل ساله

کارگردان، مانی حقیقی

برنامه سینمایی فرهنگ پردیس سینمایی‌گورش پردیس سینمایی چارسو خانه هنرمندان موزه سینما پردیس سینمایی‌ویژه (مشهد) تالار سینمایی سوره (اصفهان) هنر و تجربه(تهران)

acinema.ir



سفت راست دی‌کاپریو در کنار اینارایتو/ عکس:Gettyimages

چندسطر درباره برگزیدگان گلدن گلوب ۲۰۱۶

سهم جدید صنعت فیلم هنری



کامیار محسنیان

در فضای دوقطبی فصل جوایز سینمایی در سال جاری، عمده تمرکز بر دو فیلم «مد مکس: جاده خشم» ساخته جورج میلر و «کارول» ساخته تد هینز گذاشته شد؛ فیلم‌هایی با دو خاستگاه کاملا متفاوت که اولی از صنعت سینما سر بر می‌آورد و دومی از صنعت تعیین‌کننده فیلم‌های هنری که بیشتر در جشنواره‌ها کشف می‌شوند. سهم‌خواهی تدریجی نوع دوم در عرصه جوایز سینمای حرفه‌ای – مثل گلدن گلوب و اسکار – خیر از تغییر فضا می‌دهد. برای نمونه، در سال گذشته در عرصه اسکار، فیلم‌های بزرگ کمپانی‌های آمریکایی، قافیه را به فیلم‌هایی همچون «بردمن» (از جشنواره ونیز)، «دوران پسری» و «هتل بزرگ بوداپست» (از جشنواره برلین)، «فاکس کچر» (از جشنواره کر) و «ویلش» (از جشنواره ساندنس) باختند. شایان توجه اینکه برخی فیلم‌های بزرگ جبهه صنعتی– مثل «میان ستاره‌ای» کریس نولان – هم توسط کارگردانانی ساخته شده بودند که خود از همین مسیر جشنواره‌های سینمایی به شهرت رسیده بودند.

به‌این‌ترتیب، می‌توان به سهولت مشاهده کرد که حتی در جوایز بزرگداشت صنعت سینما نیز نقش بزرگ جشنواره‌های بین‌المللی رشدی چشمگیر داشته و سیاست‌های تمامیت‌خواه تولیدکنندگان فیلم‌های پرخرج را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده است. شاید در این مقطع، کم‌توجهی اتحادیه مطبوعاتی هالیوود به دو فیلم «مد مکس» و «کارول» (که اولی از گور فیلم‌های مستقل دهه هفتادی بر می‌آید و دومی رویکردی رادیکال به مضمونی همچنان جنجالی در برخی

کا در توافقی که میان شما و بیمارستان انجام شد، چه نکاتی مطرح شده بود؟

ابتدای ماه رمضان بود که به بیمارستان مسیح‌دانشوری مراجعه کردم. در آن زمان دکتر سهیل عظیمی، معاونت فرهنگی بخش، فراهم‌آوری اعضا و نسوج این بیمارستان را عهده‌دار بود. با ایشان صحبت کردم و گفتم من یک عکاس مستند اجتماعی هستم و به موضوع اهدای عضو علاقه‌مندم. او هم گفت مشکلی نیست و با مسئول بخش هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد تا در صورت موافقت، عکس‌هایی برای مجموعه شخصی‌ام تهیه کنم. ابتدا در نظر داشتم ۱۲، ۱۰ عکس بگیرم، اما در مدت عکاسی، تعداد عکس‌هایم بیشتر شد. بعد از یک ماه تعدادی از عکس‌ها را به دکتر عظیمی نشان دادم. او عکس‌ها را دوست داشت و گفت این عکس‌ها آزاردهنده نیستند. من پیشنهاد کردم این عکس‌ها یک سند تاریخی برای من از لحاظ عکاسی و بیمارستان از نظر پزشکی باشد، پس این آثار را در یک کتاب چاپ‌کنند و در گالری نمایش دهند. او با ریاست واحد مربوطه صحبت کرد و قرار شد عکاسی را ادامه دهم. عکس‌های بیشتری گرفتم و آنها هم تأیید کردند. در نهایت پنج هزار عکس

گرفتم و ۳۵ عکس را انتخاب کردم. این مجموعه دو قصه را روایت می‌کند: آنها که اهداکننده و بخشنده و گروه دوم که گیرنده هستند. در همان زمان، دکتر عظیمی کمپینی با عنوان ۱۰۸ راه انداخت و او تنها کسی بود که در این بیمارستان همپای من بود. زمان انتخاب کتاب نیز گفتم چون کمپینی در این زمینه راه افتاده و هدف ما ترویج فرهنگ اهدای عضو است، نام نمایشگاه و کتاب ۱۰۸ باشد. دکتر عظیمی هم به‌دنبال حامی مالی بود تااینکه این نمایشگاه پنجم تا هفتم دی در گالری نیاوران برگزار شد. در روز اختتامیه هم ۲۰۰ جلد کتاب توزیع شد.

کا مشکل از چه زمانی شروع شد؟

شاید باید به این نکته هم اشاره کنم که این کتاب عکس، اولین کتاب عکس اهدای عضو جهان است و هر کجای دنیا که ارائه شود، افتخار جامعه پزشکی ایران خواهد بود. همه اتفاق‌ها از فردای روز اختتامیه شروع شد. دکتر عظیمی که شش ماه من را حمایت کرده بود، به‌دلیل مشکلاتی که بر بخش «هاروست» پیش آمد، استعفا داد و به‌جای تقدیر از چنین کسی، او مجبور به استعفا شد.

کا استعفا سهیل عظیمی به دلیل چنین مسئله‌ای بود؟

آن‌قدر که تحت فشار بود، استعفا کرد....

کا چه فشاری؟

اول اینکه چرا عنوان بیمارستان در کتاب

هنر



عکس:Gettyimages

دیوید بووی درگذشت

درگذشت ستاره هزار چهره راک



تیما توسلی

دیروز هم موسیقی راک و هم موسیقی پاپ، دیوید بووی، یکی از ستارگان قدیمی و شناخته‌شده خود را از دست داد. فرزند ارشد بووی در تویتتر خود اعلام کرد که این خواننده و آهنگ‌ساز بریتانیایی دیروز در جسدال ۱۸ماهه‌اش با بیماری سرطان نوازندگی تسلیم شده و درگذشته است. او نوشت از اینکه باید خبر مرگ پدرش را تأیید کند، بسیار متأثر است. بووی دو روز پیش از مرگش، بیست‌وپنجمین آلبوم خود را با نام «ستاره سیاه» روانه بازار کرده بود تا به همراه طرفداران خود تولد ۶۹سالگی‌اش را جشن بگیرد.

سالروز تولد او مطابق با سالروز تولد الویس پریسلی است. بووی هنگامی که ۱۲ سال داشت، نوازندگی ساکسیفون را آغاز کرد. دیوید بووی که نام واقعی‌اش دیوید رابرت جونز است، در روز هشتم ژانویه ۱۹۴۷ در جنوب لندن به دنیا آمد. او در ۱۶سالگی به‌عنوان ساکسیفون‌نواز و خواننده گروه The Kon-rads (تصویر) به روی صحنه رفت. در سال ۱۹۶۵ نام هنری دیوی بووی را برای خود برگزید و نخستین آلبوم خود را در سال ۱۹۶۷ منتشر کرد که موفقیت چندانی نداشت. تلاش‌های بعدی او نیز بیشتر با سرخوردگی همراه بود تا اینکه در اوایل دهه ۷۰ میلادی توانست آرام‌آرام جایی برای خود باز کند. بووی در سال ۱۹۷۲ با انتشار آلبوم «ظهور و سقوط زگی استانداردست و عنکبوت‌هایی از مریخ» بر سر زبان‌ها افتاد. این آلبوم در نظرسنجی‌های مختلف به‌عنوان یکی از بهترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی پاپ و راک بریتانیا انتخاب شد. بووی در نیمه دوم دهه هفتاد میلادی آلبوم‌های موفق دیگری به بازار ارائه کرد و همچنین تورهایی گسترده

بووی همچنین در فیلم آخرین وسوسه مسیح، اثر مارتین اسکورسیزی در نقش فرمانده رومی جولیا و در فیلم توینس پیکر لینچ بازی کرد و موسیقی معروف تیتراژ پایانی فیلم بزگره کمشده نیز متعلق به اوست. بووی در سال ۲۰۰۰ مقام ارشد اعطایی از جانب بریتانیا و همچنین مقام شوالیه در سال ۲۰۰۳ را رد کرد. او در سال ۱۹۹۲ با یک مدل سومالیایی به نام آیمان ازدواج کرد و صاحب دختری به نام الکساندرا یا زهرا جونز است که در سال ۲۰۰۰ به دنیا آمده است.

نه، به‌هیچ‌عنوان. همه‌چیز به روال طبیعی داشت طی می‌شد و

من با میل و علاقه خود عکاسی کرده بودم. کار اصلی عکاسی من افغانستان است و مدام در رفت‌وآمد هستم اما برای هریک از مراحل کار، وقتی دکتر عظیمی به من زنگ می‌زد، خودم را سریع به تهران می‌رساندم. او فعالیت‌های فرهنگی زیادی داشت و پروسه فرهنگی برایش کاملا درک‌شده بود اما مشکل مربوط به آن قسمت از جامعه پزشکی است که درگی از کار فرهنگی ندارند و فکر می‌کنند صاحب کار و اثر هستند. تیراژ کتاب هزار و ۵۰۰ نسخه است که ۲۰۰ نسخه شب اختتامیه توزیع شد اما بیمارستان جلوی توزیع هزار و ۳۰۰ اثر دیگر را گرفته و می‌گوید جلد کتاب باید عوض و نام عکاس حذف شود. ضمن اینکه اسم بیمارستان درشت چاپ شود. در صورتی که محور اصلی روایت کتاب‌ها اهدای عضو است. حتی وقتی درباره قیمت کتاب صحبت شد، گفتم کتاب را برای فروش نگذاریم چون مردم اعضای خانواده خود را رایگان اهدا می‌کنند. اگر کتاب فروش برود، حرف پول به میان می‌آید و مردم می‌پرسند این پول به چه کسی رسیده است؟

کا پس عکس‌ها و کتاب‌ها برای فروش نبود؟

هیچ‌کدام فروخته نشد. تاکنون هم به احترام خانواده‌های اهداکننده نخواستم سروصدا کنم تا اینکه به چهارمین دوره (۱۰ روز با عکاسان» دعوت شدم و قرار بود روز یکشنبه، ۲۰ دی در بخش «نگاه شخصی» آثارم را ارائه کنم اما برنامه من لغو شد و مجید ناگهی (دبیر ۱۰ روز با عکاسان) با من تماس گرفت که نامه‌ای به انجمن عکاسان ایران رسیده مبنی بر اینکه عکس‌ها متعلق به بیمارستان است و به همین دلیل انجمن عکاسان، اجازه نمایش این عکس‌ها را در «۱۰روز با عکاسان» ندارد.

کا آنها از کجا متوجه نمایش آثار در این برنامه شده بودند؟

من خبر نمایش آثار در این برنامه را در صفحات شخصی مجازی‌ام منتشر کرده بودم. پزشکی که به جای سهیل عظیمی آمده، در حال کارشکنی است و به خانه هنرمندان و انجمن عکاسان رفته و گفته این عکس‌ها به بیمارستان تعلق دارد. انجمن عکاسان نیز گفت اگر سندی دارید ارائه دهید و آنها پاسخ دادند این پروژه دوستانه انجام شده است. علاوه بر انجمن عکاسان با خانه هنرمندان هم تماس گرفتند و یکی از مسئولان خانه هنرمندان به نام آقای اردلان گفته بود عکس‌های من می‌شود نمایش درنیايد. در این بیمارستان حرکت بزرگ بخشش انجام می‌شود و کاری که الان با من می‌شود، دقیقا برخلاف این حرکت است. مگر بر ترویج فرهنگ اهدای عضو تأکید نمی‌شود؟ چه جایی بهتر از خانه هنرمندان می‌توانست مروج این موضوع باشد؟

کا چه اقدام قانونی‌ای انجام داده‌اید؟

به دنبال اقدام قانونی هستم. دوست دارم بدنام آقای دکتر ولایتی که ریاست بیمارستان را برعهده دارند، مطلع هستند عکاسی که شش ماه کار کرده است تا جامعه را به این مسائل آگاه کند، با چنین مشکلی روبه‌رو شده است؟ بسیاری از بازدیدکنندگان نمایشگاه با دیدن عکس‌ها، اشک ریختند و برای کارت اهدای عضو ثبت‌نام کردند.

کا اصلا قانونی در این زمینه داریم؟

قانونی که در سال ۴۸ درباره حق اثر تألیف تصویب شده، وجود دارد.

فصل جوایز

هفتادوسومین شب شگفت انگیز گلدن گلوب

بار دیگر «ایناریتو»

● شرق: گلدن گلوب به پیش‌بینی‌نشدنی‌بودن معروف است و در هفتادوسومین دوره این جایزه که دو شب پیش برگزار شد نیز شگفتی‌هایی برای هواداران سینما در سراسر دنیا رخ داد. این جایزه امسال در حالی برنگدان خود را شناخت که نام پدیده‌های سینمایی امسال مانند «مد مکس: جاده خشم» و «کارول» جزء اسامی برگزیدگانش نبود.

پرونده جوایز گلدن‌گلوب ۲۰۱۶ با اعطای جایزه بهترین فیلم درام و کارگردانی به «از گور برخاسته» ساخته «آلخاندرو گونزالز ایناریتو»، در حالی بسته شد که برخی نامزدهای پرامید، دست خالی به خانه بازگشتند و برخی نیز که خیلی دل به کسب جایزه نبسته بودند، با شگفتی یا به صحنه این رویداد سینمایی گذاشتند. ایناریتو پیش از این با ساخت فیلم‌های «بردمن»، «عشق سگی»، «بابل»، «بیوتیفول» و «۱۱ گرم» در محافل سینمایی جهان بر صدر نشسته بود. شب رؤیایی «از گور برخاسته» با دریافت جایزه بهترین درام گلدن‌گلوب تکمیل شد. این فیلم به کارگردانی آلخاندرو گونزالز ایناریتو در شرایطی بسیار سخت و دشوار فیلم‌برداری شده است. لنوئاردو دی‌کاپریو و تام هاردی بازیگران این فیلم هستند. دی‌کاپریو نیز برای بازی در این فیلم جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد را از آن خود کرد. دیگر نامزدهای دریافت این جایزه «کارول»، «مد مکس: جاده خشم»، «اتاق» و «افشاگر» بودند. سال گذشته این جایزه به فیلم «پسر یجکی» رسیده بود.

فیلم «کارول» ساخته «تادهینز» که با نامزدی در شش شاخه، پیش‌از نامزدهای این جوایز سینمایی بود، در عین شگفتی بدون کسب حتی یک جایزه به کار خود پایان داد. حضور هم‌زمان «کیت بلاتنت» و «رونی مارا» در میان نامزدهای بخش بهترین بازیگر اصلی زن نیز موجب تقسیم‌شدن آرا شد تا درنهایت دست بازیگران این فیلم نیز از جایزه خالی بماند.

شگفتی‌های این دوره از جوایز گلدن‌گلوب با اعطای جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل به «کیت وینسلت» برای بازی در فیلم «استیو جابز» آغاز شد و دادن جایزه بهترین فیلم‌نامه به «آرون سورکین» نیز شب خوبی را برای ساخته نه‌چندان امیدوار دنی بویل رقم زد. «جینفر لاورنس» در سومین همکاری خود با «دیوید اوراسل» توانست برای فیلم «جوی» به سومین جایزه گلدن‌گلوب خود دست یابد. با وجود اینکه خود «لاورنس» از اعطای جایزه به رقیبش «امی شومر» حمایت کرده بود، اما انجمن مطبوعات خارجی هالیوود تصمیم گرفت جایزه بهترین بازیگر زن کم‌دی سال را به «جینفر لاورنس» و نقشی اعطا کند که به‌سختی می‌توان آن را کم‌دی دانست. «آلیسیا ویکاندر»، «لیلی تاملین»، «ادریس آلبا» و«مارک رالینس» از جمله بازیگران با نامزدی در دو بخش امسال جوایز گلدن‌گلوب بودند که این نامزدی دوهانه کم‌دی به آنها نکرد و دست خالی سالن «هتل بولی هیتل» را ترک کردند. سریال «فارگد» که نزد منتقدان بسیار محبوب است و سال گذشته در جوایز گلدن‌گلوب دو جایزه بازیگری کسب کرد، امسال در هیچ‌یک از سه شاخه رقابتی خود به جایزه‌ای نرسید. درحالی‌که «آمازون» سال گذشته با سریال «شفاف» جایزه بهترین سریال کم‌دی را کسب کرد، کمتر کسی فکر می‌کرد سریال جدید و کمتر معروف آنها با نام «موتزارت در جنگل» دوباره این موفقیت را تکرار کند. «گائل گارسیا برنال» نیز برای بازی در این فیلم به جایزه بازیگر کم‌دی سریال دست یافت تا سازندگان این سریال شب بسیار خوبی را پشت سر گذاشته باشند.

سریال محبوب «بازی تاج و تاخت» تاکنون موفق نشده در جوایز گلدن‌گلوب جایزه بهترین سریال درام را از آن خود کند و امسال نیز قافیه را به سریال «آقای روایت» باخت. تنها جایزه‌ای که این سریال معروف در پنج فصل گذشته گلدن‌گلوب کسب کرده است، به جایزه نقش مکمل مرد برای «پیتér دینکلج» مربوط می‌شود. شگفتی دیگر گلدن‌گلوب امسال نیز اعطای جایزه به «لیدی گاگا» بود. «لیدی گاگا» برای بازی در «هتل» هم جایزه بهترین نقش اول زن مبنی‌سریال را در حالی از آن خود کرد که سارا هی، فیلسیتی هافمن و کوین لطفیا نیز از نامزدهای این دوره برای دریافت این جایزه بودند و در بین این بازیگران به نظر می‌رسید لیدی گاگا شانس کمتری برای دریافت این جایزه دارد.

گذر

«متاستاز» به شهرهای دیگر

سرایت می‌کند

● شرق: «متاستاز» به کارگردانی علی‌اصغر دشتی در بخش استانی سسی‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر شرکت خواهد کرد. بنا به اعلام جهانیش باراحمدی، رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر، زنگ شروع سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در چهارشنبه ۲۲ دی با اجرای نمایش متاستاز با حضور مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد و شفیعی، مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی کشور در بوشهر زده خواهد شد. آرش وفاداری، تهیه‌کننده متاستاز، درباره برنامه‌های این تئاتر در بخش استانی جشنواره فجر، گفت: قرار است علاوه بر اجرا در بوشهر، در ۲۵ و ۲۷ دی در استان‌های فارس و یزد اجرا داشته باشیم. همچنین متاستاز روز ۱۱ بهمن در جشنواره تئاتر فجر در تالار مولوی تهران روی صحنه خواهد رفت.